

مشروح مذاکرات شورای نگهبان

عنوان

جلسه مورخ ۱۳۹۵/۰۲/۱۵ شورای نگهبان

شماره مسلسل: ۱۳۹۸۰۰۲۱

تاریخ: ۱۳۹۸/۰۷/۱۳



پژوهشکده شورای نگهبان

شناسنامه

عنوان:

مشروح مذاکرات شورای نگهبان
جلسه مورخ ۱۵/۰۲/۱۳۹۵ شورای نگهبان

ویراستار و مستندساز:

حسین امینی

بازبین:

سید احمد حسینی پور اردکانی

ناظران علمی:

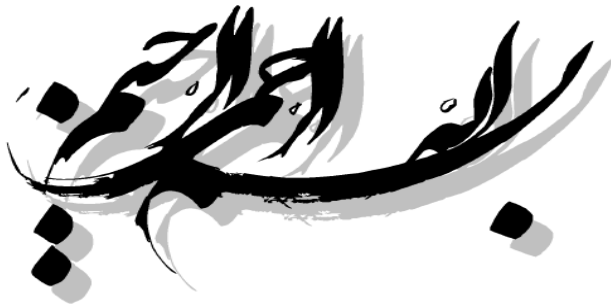
دکتر ابوالفضل درویشوند ، محمد میثم نداف پور

گروه تدوین نظرات و مبانی آراء شورای نگهبان

شماره مسلسل: ۱۳۹۸۰۰۲۱

تاریخ انتشار: ۱۳۹۸/۰۷/۱۳

پژوهشکده شورای نگهبان



جلسه مورخ ۱۳۹۵/۰۲/۱۵ شورای نگهبان

فهرست مطالب

- ۲ مقدمه
- بررسی نامه‌ی آقای علی اصغر باغانی، مدعی خلاف شرع بودن تبصره‌ی ماده (۲۹۹)
- ۳ قانون مجازات اسلامی در خصوص تغلیظ دیه
- بررسی نامه‌ی آقای علی محمدی، مدعی عدم رعایت نظر شرعی شورای نگهبان از سوی
نهادهای دولتی نسبت به برخی مواد قانون معادن در خصوص گرفتن درصدی از بهای
- ۶ ماده‌ی معدنی در اراضی موقوفه به عنوان حقوق دولتی

مقدمه

بر اساس اصل (۹۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی از نظر انطباق با موازین اسلام و قانون اساسی به وسیله شورای نگهبان مورد بررسی قرار می‌گیرد و در صورت مغایرت برای تجدیدنظر به مجلس بازگردانده می‌شود. همچنین به موجب اصل (۸۵) قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی می‌تواند تصویب اساسنامه‌ی سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را به کمیسیون‌های ذی‌ربط مجلس یا هیئت وزیران واگذار کند که در این صورت، این اساسنامه‌ها نیز باید به لحاظ عدم مغایرت با شرع و قانون اساسی به تأیید شورای نگهبان برسند. علاوه بر این، به موجب اصل (۴) قانون اساسی، کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است. تفسیر قانون اساسی نیز به موجب اصل (۹۸) قانون اساسی، بر عهده شورای نگهبان قرار گرفته است.

در راستای اجرای این اصول، کلیه مصوبات مجلس، اساسنامه‌ی سازمان‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت و استفساریه‌های مربوط به اصول قانون اساسی در جلسات شورای نگهبان مورد بررسی فقهی و حقوقی قرار گرفته و سرانجام در قالب نظریه شورای نگهبان به مراجع مربوطه اعلام می‌شود. بدین‌سان، مشروح مذاکرات جلسات شورای نگهبان به جهت محتوای علمی قابل استفاده‌ی آن برای آحاد علاقه‌مندان به این مباحث، به ویژه پژوهشگران و صاحب‌نظران حوزوی و دانشگاهی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

با عنایت به تأکیدات رهبر معظم انقلاب اسلامی مبنی بر ضرورت انتشار مشروح مذاکرات شورای نگهبان، گروه تدوین نظرات و مبانی آرای شورای نگهبان، به‌عنوان یکی از شرح وظایف خویش در پژوهشکده شورای نگهبان، آماده‌سازی متون مذاکرات جلسات شورای نگهبان برای انتشار عمومی را در دستور کار دارد. این مهم، در چند مرحله به شرح زیر انجام می‌پذیرد: پس از پیاده‌سازی فایل‌های صوتی جلسات شورای نگهبان، این متون در اختیار کارشناسان گروه قرار می‌گیرد تا از لحاظ فنی و ادبی ویرایش شده و در صورت لزوم، اظهارات اعضای شورا مستندسازی شود. سپس متون ویرایش و مستندسازی شده از لحاظ صحت، اتقان و انطباق با محتوای متون اولیه و همچنین از جهت ویرایشی، مورد بازبینی قرار می‌گیرد. در نهایت، متون بازبینی شده بار دیگر از جهات مذکور توسط ناظران علمی پروژه، به طور دقیق، از جهت شکلی و محتوایی بررسی می‌شود و سپس منتشر می‌گردد.

پژوهشکده شورای نگهبان امیدوار است با تولید و عرضه‌ی این مجموعه، علاوه بر حرکت در جهت تحقق بخشی از منویات مقام رهبری، خواسته‌ی جامعه‌ی علمی کشور و همچنین مراکز سیاست‌گذاری، تقنینی و اجرایی کشور را پاسخ گفته باشد. مسلماً انتشار و عرضه‌ی چنین آثاری می‌تواند ثمره‌ی بیش از سی سال مجاهدت و تلاش شورای نگهبان در پاسداری از شرع و قانون اساسی را در اختیار کلیه علاقه‌مندان، به ویژه محافل علمی و پژوهشی، اعم از دانشگاهی و حوزوی قرار دهد و به غنی‌تر شدن هر چه بیشتر مباحث فقهی و حقوقی در کشور کمک کند.

بررسی نامه‌ی آقای علی اصغر باغانی، مدعی خلاف شرع بودن تبصره‌ی ماده (۲۹۹) قانون مجازات اسلامی در خصوص تغلیظ دیه

آقای مؤمن - دو تا نامه هست که یکی از آنها را آقای باغانی [در خصوص تبصره‌ی ماده (۲۹۹) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲] نوشته است.^(۱)

آقای هاشمی شاهرودی - اگر محتوای این نامه، استفسار از قانون است، خوب بروند از مجلس استفسار کنند.

آقای مؤمن - رئیس یکی از شعب دیوان عالی کشور یک مطالبی نوشته است که اصلاً مشخص نیست.^(۲) [نظر مجمع مشورتی فقهی این است: «بررسی: اولاً: در قانون

۱. نامه‌ی آقای علی اصغر باغانی، رئیس شعبه (۱۳) دیوان عالی کشور در خصوص تذکری در مورد غیرشرعی بودن تبصره‌ی ماده (۲۹۹) قانون مجازات اسلامی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۱۵ شورای نگهبان بررسی شد. فقهای شورای نگهبان بر اساس اختیار حاصل از اصل (۴) قانون اساسی، پس از بحث و بررسی نسبت به مفاد این نامه در جلسه‌ی مزبور، نظر خود را مبنی بر وارد نبودن ایراد مطرح شده طی نامه‌ی شماره ۹۵/۱۰۰/۵۲۹ مورخ ۱۳۹۵/۲/۲۳ به آقای علی اصغر باغانی اعلام کردند.

۲. نامه‌ی مورخ ۱۳۹۵/۱/۱۴ آقای علی اصغر باغانی، رئیس شعبه‌ی (۱۳) دیوان عالی کشور به فقهای شورای نگهبان: «محضر مبارک فقهاء عظام شورای نگهبان دامت برکاتهم

سلام علیکم. با آرزوی سلامتی و توفیقات بیشتر برای حضرات محترم در سال جدید ۱۳۹۵ هـ ش به استحضار می‌رساند در ماده (۲۹۹) قانون مجازات اسلامی چاپ اول* مرقوم شده بود: «اگر صدمه و فوت هر دو در ماه‌های حرام تحقق پیدا نماید، مرتکب علاوه بر پرداخت یک دیه کامله باید یک سوم دیه هم از باب تغلیظ به مجنی علیه پرداخت نماید.» سپس در قالب یک تبصره اضافه شده بود: «حکم فوق در صورتی که مقتول از اقارب قاتل باشد، جاری نمی‌گردد.» که این تفسیر از جمله تحریرالوسیله امام که فرموده بود: «لا تغلیظ فی الاطراف و لا فی قتل الاقارب» اشتباه بود که اینجانب در مجلس چهارم شورای اسلامی که مسئول کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس بودم و طی ارائه طرحی تبصره را حذف نمودیم و لیکن شورای محترم نگهبان در چاپ بعدی قانون مجازات اسلامی** مرقوم داشته‌اند: «قتل اقارب موجب مستغنی برای تغلیظ دیه نیست.» در صورتی که قتل در اشهر حُرْم و حرمین شریفین اتفاق بیفتد، جاری است؛ با اینکه فقط قتل در اشهر حُرْم و مکه معظمه موجب تغلیظ می‌باشد و حرم شریف نبوی این حکم را ندارد. در تحریرالوسیله فرموده تغلیظ در اشهر حُرْم و مکه معظمه می‌باشد «و لایحقیق بها سائر المشاهد». در «خلاف»، شیخ بزرگوار طوسی قدس سره نیز فقط حرم مکه معظمه را فرموده و لاغیر. از تذکر عذرخواهم.

رئیس شعبه سیزدهم دیوان عالی کشور- علی اصغر باغانی « متن این نامه، در نشانی زیر قابل مشاهده است:

مجازات اسلامی جدید - که معتبر بوده و ملاک عمل می‌باشد - مفاد ماده (۲۹۹)^(۱) در مورد تغلیظ دیه نمی‌باشد؛ بلکه مسئله تغلیظ در مواد (۵۹۵) تا (۵۹۷)^(۲) مطرح شده و در آن اثری از تبصره مذکور وجود ندارد تا احیاناً مورد ایراد قرار گیرد. ثانیاً: مفاد تبصره ذکر شده آن است که اقارب بودن مقتول موجب تغلیظ دیه نیست و این مطلب صحیح بوده و منافاتی با مطلب دیگر - که قتل نفس بما آنه قتل نفس

→

* مقصود، ماده (۲۹۹) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۵/۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی است.

** اشاره دارد به نظر شماره ۳۵۵۹ مورخ ۱۳۷۱/۶/۸ فقهای شورای نگهبان؛ جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به سامانه جامع نظرات شورای نگهبان، در آدرس: yon.ir/faTyn

۱. ماده (۲۹۹) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۲۹۹- اگر کسی با ضربه‌های متعدد عمدی، موجب جنایات متعدد و قتل مجنی علیه شود و قتل نیز مشمول تعریف جنایات عمدی باشد، چنانچه برخی از جنایات موجب قتل شود و برخی در وقوع قتل نقشی نداشته باشند، مرتکب علاوه بر قصاص نفس، حسب مورد، به قصاص عضو یا دیه جنایت‌هایی که تأثیری در قتل نداشته است، محکوم می‌شود. لکن اگر قتل به وسیله مجموع جنایات پدید آید، در صورتی که ضربات به صورت متوالی وارد شده باشد، در حکم یک ضربه است. در غیر این صورت، به قصاص یا دیه عضوی که جنایت بر آن، متصل به فوت نبوده است نیز محکوم می‌گردد.

تبصره- احکام مقرر در مواد (۲۹۶)، (۲۹۷)، (۲۹۸) و (۲۹۹) در مواردی که جنایت یا جنایات ارتكابی به قسمت بیشتری از همان عضو یا اعضای دیگر مجنی علیه سرایت کند نیز جاری است.»

۲. مواد (۵۵۵) تا (۵۵۷) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۵۵۵- هرگاه رفتار مرتکب و فوت مجنی علیه هر دو در ماه‌های حرام (محرم، رجب، ذی‌القعدة و ذی‌الحجه) یا در محدوده حرم مکه واقع شود، خواه جنایت عمدی خواه غیرعمدی باشد، علاوه بر دیه نفس، یک‌سوم دیه نیز افزوده می‌گردد. سایر مکان‌ها و زمان‌های مقدس و متبرک مشمول حکم تغلیظ دیه نیست.

تبصره- معیار شروع و پایان ماه‌های حرام، مغرب شرعی است؛ مانند ماه رجب که از مغرب شرعی آخرین روز ماه جمادی‌الثانی، شروع و با مغرب شرعی آخرین روز ماه رجب به پایان می‌رسد.

ماده ۵۵۶- در حکم تغلیظ دیه فرقی میان بالغ و غیربالغ، زن و مرد و مسلمان و غیرمسلمان نیست. سقط جنین نیز پس از پیدایش روح، مشمول حکم تغلیظ است. تغلیظ دیه در مواردی که عاقله یا بیت‌المال پرداخت‌کننده دیه باشد نیز جاری است. در قتل عمدی که به علت عدم امکان قصاص یا عدم جواز آن دیه پرداخت می‌شود نیز این حکم جاری است.

ماده ۵۵۷- تغلیظ دیه مخصوص قتل نفس است و در جنایت بر اعضا و منافع جاری نیست.»

در شهر حرم و مکه معظمه موجب تغلیظ بوده و یا در مدینه منوره تغلیظی ندارد - ندارد. ...»^(۱) این، جواب نامه‌ی آقای باغانی از سوی مجمع مشورتی فقهی است. ما دو تا نامه داریم. یکی مربوط به آقای باغانی است، یکی مربوط به آقای محمدی است. **آقای هاشمی شاهرودی -** درست است.

آقای مؤمن - نمی‌خواهید نامه‌ی آقای باغانی را جواب بدهید؟

آقای هاشمی شاهرودی - مجمع مشورتی فقهی جواب داده است دیگر.

آقای شبزنده‌دار - جواب ایشان همین است که نوشته‌اند.

آقای هاشمی شاهرودی - جوابی که مجمع مشورتی فقهی داده است، خوب است. سؤال از قانون مجازات است.

آقای مدرسی یزدی - مگر اصلاً باید این نامه را جواب داد؟

آقای هاشمی شاهرودی - بله، ما اصلاً نباید جواب بدهیم، ولی آن جواب مجمع مشورتی فقهی خوب است. این مسئله‌ی ایشان ربطی به آن [= ماده (۲۹۹) قانون مجازات] ندارد.

آقای جنتی - شما این نامه‌ی آقای باغانی را خواندید؟

آقای هاشمی شاهرودی - آقایان مجمع مشورتی نامه را جواب داده‌اند. آقای مؤمن هم جوابش را خواندند. ایشان [ماده (۲۹۹)] را با بحث تغلیظ خلط کرده است. جواب داده‌اند و روشن است.

آقای جنتی - بسیار خوب، پس بررسی این نامه تمام می‌شود.

آقای مؤمن - الحمدلله تمام شد.^(۲)

۱. نظر مجمع مشورتی فقهی در ادامه که در جلسه خوانده نشد، به این شرح است: «... و اگر ادامه عبارت ذکرشده یعنی جمله: «در صورتی که قتل در شهر حرم و ...» ادامه تبصره می‌باشد، مطلب فرق می‌کند و لازم است عبارت اصلاح و به‌گونه‌ای نوشته شود تا گویا بوده و نسبت به آن اظهار نظر شود.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۹۵/ف/۱۱۴ مورخ ۱۳۹۵/۱/۲۳، قابل دسترسی در نشانی زیر: yon.ir/wbKwh

۲. نظر شماره ۹۵/۱۰/۵۲۹ مورخ ۱۳۹۵/۲/۲۳ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۱۰۱ مورخ ۱۳۹۵/۱/۱۴ موضوع در جلسه مورخ ۱۳۹۵/۲/۱۵ فقهای معظم شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر فقها به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

- مفاد تبصره مذکور این است که اقارب بودن مقتول موجب تغلیظ دیه نیست و این، مطلب صحیحی

بررسی نامه‌ی آقای علی محمدی، مدعی عدم رعایت نظر شرعی شورای نگهبان از سوی نهادهای دولتی نسبت به برخی مواد قانون معادن در خصوص گرفتن درصدی از بهای ماده‌ی معدنی در اراضی موقوفه به عنوان حقوق دولتی

آقای مؤمن - مجمع مشورتی فقهی، نامه‌ی آقای محمدی [در خصوص خلاف شرع بودن گرفتن درصدی از بهای ماده‌ی معدنی در اراضی موقوفه به عنوان حقوق دولتی]^(۱) را هم جواب داده است. می‌خواهید آن را هم بخوانیم؟

آقای هاشمی شاهرودی - بخوانید. آقای جنتی آن نامه^(۲) را خیلی مهم می‌داند.

آقای مؤمن - آن نامه هم چیز خاصی نیست.

→

است و منافاتی با این مطلب ندارد که قتل نفس در شهر حُرْم و مکه معظمه - بما آئه قتل نفس - موجب تغلیظ دیه است و در مدینه منوره موجب تغلیظ نیست»

۱. نامه‌ی آقای علی محمدی، نماینده‌ی ولی فقیه و سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه با ادعای عدم رعایت نظر شرعی شورای نگهبان از سوی وزارت صنایع، معادن و تجارت و سازمان‌ها و واحدهای تابعه‌ی آن نسبت به برخی مواد قانون معادن مصوب ۱۳۷۷ و اصلاحات بعدی آن در خصوص گرفتن درصدی از بهای ماده‌ی معدنی در اراضی موقوفه به عنوان حقوق دولتی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۵/۲/۱۵ شورای نگهبان بررسی شد. فقهای شورای نگهبان بر اساس اختیار حاصل از اصل (۴) قانون اساسی، پس از بحث و بررسی نسبت به مفاد این نامه در جلسه‌ی مزبور، نظر خود مبنی بر مغایرت دریافت درصدی از بهای ماده معدنی که جزء عرفی یا تابع اراضی موقوفه است به عنوان حقوق دولتی با موازین شرع را طی نامه‌ی شماره ۹۵/۱۰۰/۴۸۴ مورخ ۱۳۹۵/۲/۲۰ به آقای علی محمدی اعلام کردند.

۲. نامه‌ی شماره ۹۴/۱۱۷۸۳۸۸ مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۲۵ آقای علی محمدی، نماینده‌ی ولی فقیه و سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه به شورای نگهبان: «... پیرو نامه شماره ۹۴/۷۷۳۱۸۸ مورخ ۹۴/۸/۲۷* همان‌طور که خاطر جناب‌عالی و فقهای محترم شورای نگهبان مسبوق است و سوابق معروض و عطف نظریه مبنای تبصره (۳) ماده (۶) اصلاحی، نظر به اینکه وزارت صنعت، معدن و تجارت و سازمان‌ها و واحدهای تابعه آن متأسفانه مستثنی بودن معادن واقع در زمین موقوفات و خروج موضوعی آن از بحث سایر معادن را نپذیرفته و به استناد موادی از قانون معادن و مواد و تبصره‌های اصلاحی و الحاقی آن (مصوب ۱۳۹۰/۸/۲۲) وجوهی را به عنوان حقوق دولتی از موقوفات مطالبه می‌نمایند، از نظر وحدت ملاک، مغایر مبنای نظریه‌های قبلی فقهای محترم شورای نگهبان است. بدین‌وسیله استدعا دارد نسبت به انصراف مقررات ناظر بر موضوع فوق‌الذکر به ویژه ماده (۱۴) اصلاحی قانون معادن از موقوفات از اطلاق قانون معادن و اصلاحیه و الحاقات آن اعلان نظر و نتیجه را جهت اقدامات بعدی و رفع مشکل موقوفات ابلاغ فرمایند.» متن این نامه در نشانی زیر قابل مشاهده است:

yon.ir/sgw9E

* متن این نامه در پاورقی‌های بعدی آمده است.

آقای شبزنده‌دار - «اطلاق ماده (۱۴) اصلاحی قانون معادن»^(۱) از جهت شمول

۱. ماده (۱۴) قانون معادن مصوب ۱۳۷۷/۳/۲۳ مجلس شورای اسلامی با اصلاحات و الحاقات بعدی: «ماده ۱۴- (اصلاحی مورخ ۱۳۹۴/۲/۱) دارنده پروانه بهره‌برداری باید درصدی از بهای ماده معدنی موضوع پروانه را به نرخ روز در سر معدن به صورت استخراج‌شده یا کانه‌آرایی‌شده یا فرآوری‌شده در چهارچوب بودجه مصوب با پیشنهاد وزارت صنعت، معدن و تجارت و تصویب شورای عالی معادن به عنوان حقوق دولتی به وزارت صنعت، معدن و تجارت پرداخت نماید. ضوابط تعیین زمان و میزان درصد یادشده با توجه به عوامل مؤثری همچون محل و موقعیت معدن، شرایط و موقعیت منطقه، میزان و نوع کانه‌آرایی، وضعیت ذخیره معدنی، روش استخراج، تعهدات و سود ترجیحی بهره‌بردار در آیین‌نامه اجرایی این قانون مشخص می‌شود. درآمدهای حاصل از اجرای این ماده به حساب خزانه‌داری کل کشور منظور می‌گردد.

تبصره ۱- (اصلاحی ۱۳۹۰/۸/۲۲) مبنای قیمت پایه ماده معدنی به منظور تعیین حقوق دولتی در ماده معدنی که از طریق مزایده موضوع ماده (۱۰) این قانون واگذار می‌شود، در آیین‌نامه اجرایی تعیین می‌شود.

تبصره ۲- (اصلاحی ۱۳۹۰/۸/۲۲) درصد یادشده برای میزان ماده معدنی کانه‌آرایی‌شده یا فرآوری‌شده فقط برای دارندگان پروانه بهره‌برداری معادن که اقدام به عملیات کانه‌آرایی یا فرآوری ماده معدنی می‌نمایند، تعیین می‌شود. در غیر این صورت، بهای ماده معدنی مستخرجه در سر معدن برای تعیین درصد مذکور ملاک است.

تبصره ۳- (اصلاحی ۱۳۹۰/۸/۲۲) حقوق دولتی برای دارندگان اجازه برداشت، میانگین حقوق دولتی معادن مجاور محل برداشت است. بررسی‌های آزمایشگاهی و کاربردی تا میزان یک تن از پرداخت حقوق یادشده معاف است.

تبصره ۴- (اصلاحی ۱۳۹۰/۸/۲۲) دولت مکلف است درآمد حاصل از اجرای این ماده را همه‌ساله در بودجه سالانه منظور نماید تا حداقل شصت و پنج درصد (۶۵٪) آن در چهارچوب قوانین و مقررات مالی کشور و در راستای اجرای بهینه تکالیف و مأموریت‌های توسعه بخش معدن و صنایع معدنی کشور توسط وزارت صنعت، معدن و تجارت هزینه گردد.

تبصره ۵- (اصلاحی ۱۳۹۴/۲/۱) بهره‌برداران معدنی که در جهت بهره‌برداری بهینه و فرآوری و صیانت از ذخایر معدنی، ارتقای بهره‌وری و تحقیق و توسعه و اکتشاف و حفظ محیط زیست در معدن مربوط اقدام نمایند، با تأیید شورای عالی معادن از پرداخت حداکثر تا بیست درصد (۲۰٪) حقوق دولتی معاف می‌باشند.

تبصره ۶- (اصلاحی ۱۳۹۰/۸/۲۲) دولت مکلف است پانزده درصد (۱۵٪) از حقوق دولتی وصولی را به اعتبارات همان استان اضافه نماید، به طوری که تمام اعتبار یادشده جهت ایجاد زیرساخت و رفاه و توسعه شهرستان با اولویت بخشی که معدن در آن واقع شده، اختصاص یابد.

تبصره ۷- (اصلاحی ۱۳۹۰/۸/۲۲) میزان استخراج مندرج در پروانه بنا به درخواست بهره‌بردار و تأیید وزارت صنعت، معدن و تجارت قابل افزایش یا کاهش است. حقوق دولتی بر اساس آخرین اصلاحات

نسبت به معادنی که بالاصاله یا بالتبع (به تبع مکان یا زمین وقف شده) وقف می‌باشند، خلاف شرع دانسته شد. (اتفاق آرا، ۸ رأی)

توضیح اینکه معادنی که بالاصاله یا بالتبع وقف می‌باشند، باید در جهت وقف مصرف گردند و گرفتن درصدی از بهای ماده معدنی به عنوان حقوق دولتی از معادن مذکور وجهی نداشته و خلاف شرع می‌باشد؛ زیرا مواد معدنی این‌گونه وقف است و دولت هیچ‌گونه حقی به آنها ندارد و از این رو تمام مواد معادنی که بالاصاله یا بالتبع وقف می‌باشند، باید بر حسب وقف مذکور در مصوبه در مورد وقف مصرف گردند.

لازم به ذکر است که درصد مأخوذ از بهای ماده معدنی به عنوان حقوق دولتی می‌باشد و به عنوان عوارض یا مالیات نمی‌باشد تا بتوان وجهی برای مشروعیت آن به دست آورد.

همچنین این بیان در مورد معادن شخصی که ملک شخصی می‌باشد نیز جاری

→

به میزان مندرج در پروانه اخذ می‌گردد و در مواردی که عدم استخراج به میزان مندرج در پروانه بهره‌برداری، خارج از ید و اراده بهره‌بردار باشد، با تأیید شورای عالی معادن می‌تواند برابر میزان استخراج واقعی محاسبه گردد.

تبصره ۸- (الحاقی ۱۳۹۴/۲/۱) مواد خام معدنی در صورت صادرات به خارج مشمول معافیت مالیات از صادرات نمی‌شوند.

تبصره ۹- (الحاقی ۱۳۹۴/۲/۱) دولت اجازه قیمت‌گذاری مواد معدنی غیرانحصاری که در بازار رقابتی تولید و عرضه می‌شود را نداشته و ملاک تعیین قیمت عرضه و تقاضا خواهد بود.

تبصره ۱۰- (الحاقی ۱۳۹۴/۲/۱) بهره‌برداران معادنی که جهت پژوهش‌های کاربردی به منظور ارتقای بهره‌وری، فناوری، بهینه‌سازی مصرف انرژی یا تولید علم در حوزه معدن و فرآوری مواد معدنی با تأیید وزارت صنعت، معدن و تجارت اقدام به انعقاد قرارداد با دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی عالی و پژوهشی (دارای دانشجو در مقاطع تحصیلی تکمیلی) می‌کنند، از پرداخت حقوق دولتی معادن تا ده درصد (۱۰٪) و حداکثر پنجاه میلیارد ریال در هر سال معاف می‌باشند. آیین‌نامه اجرایی این تبصره حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ ابلاغ آن توسط وزارتخانه‌های صنعت، معدن و تجارت و علوم، تحقیقات و فناوری به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

تبصره ۱۱- (الحاقی ۱۳۹۴/۲/۱) مصادیق مواد معدنی خام مشمول تبصره (۸) این ماده با پیشنهاد شورای عالی معادن و تصویب شورای اقتصاد تعیین و ابلاغ می‌شود.

است (۷ رأی از ۸ رأی) و تمام مواد آنها ملک اشخاص است و هیچ حقی دولت به آن ندارد.

و علی‌هذا به تبع این ایراد، اطلاق تبصره‌های این ماده مورد ایراد است و لازم است تقیید زده شود.^(۱) خب، حالا مجمع مشورتی فقهی این‌طور جواب داده است. حقوق دولتی یعنی آن حقی که دولت در مواردی که دارنده‌ی معادن در آن حقی دارد، داشته باشد.

آقای مدرسی یزدی - به این دلیل است که معادن از انفال است.

آقای شب‌زنده‌دار - خب، در این فرض [که معدن موقوفه باشد]، معدن که از انفال نیست.

آقای مدرسی یزدی - منظورم این است که دولت این‌طور فکر کرده است.

آقای هاشمی شاهرودی - امام در آن پاسخ به استفتا گفتند که معادن عمیق جزء انفال است و اگر در ملک شخصی و یا در وقف هم باشد، برای وقف نیست.^(۲)

۱. نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۹۵/ف/۱۱۰ مورخ ۱۳۹۵/۱/۱۷، قابل دسترسی در نشانی زیر: yon.ir/JDjKC

۲. شورای نگهبان در خصوص طرح مجلس در مورد مالکیت دولت در همه‌ی چاه‌های نفتی در سال ۱۳۶۶ استفتایی را از امام خمینی (ره) می‌کنند که به شرح زیر است: «در مورد معادنی که به تبع ارض یا احیا، مالک خاص دارد و بر حسب تحریرالوسیله و سایر متون معتبر فقهی از انفال محسوب نمی‌شود، قبلاً شورای نگهبان به طور عام اظهار نظر کرده است که معادن واقع در املاک شخصی و وقفی از انفال و ثروت‌های عمومی محسوب نیست، ولی نظارت و کنترل دولت بر اکتشاف و بهره‌برداری از معادن طبق مصلحت عامه جایز است. اکنون در مورد خصوص نفت طرحی در مجلس شورای اسلامی تصویب شده است که به موجب ماده (۲) آن کلیه معادن نفت اعم از اینکه در ملک شخصی و وقفی یا زمین‌های دیگر و دریاها باشد، از انفال محسوب شده است، چون در شمول تبعیت مذکور در مورد نفت بالخصوص کسب نظر مبارک لازم شد، مستدعی است، نظر شریف را اولاً در اصل موضوع و ثانیاً نسبت به جواز تصرف در زمین‌های شخصی و وقفی جهت استخراج در صورت عدم تبعیت مرحمت فرمایید.»

پاسخ استفتای امام خمینی (ره) به شرح زیر است: «حضرات حجج اسلام آقایان فقهای شورای نگهبان دامت افاضاتهم،

پس از اهدای سلام و تحیت، اصل مسئله تبعیت اعماق زمین و نیز هوا نسبت به املاک شخصی تا حدود احتیاجات عرفی است؛ مثلاً اگر کسی در خارج از محدوده منزل و یا زمین شخصی و یا وقفی کانالی زده و از زیر زمین آنها عبور کند و یا تصرف نماید، دارندگان منازل و زمین و یا متولیان

آقای شبزنده‌دار - بله، این مطلب در مورد معادن عمیق، درست است. آن بحث هم مطرح می‌شود؛ ولی شن و ماسه ظاهر ملک است. این نامه هم در خصوص این موارد است.^(۱)

→

نمی‌توانند ادعایی بنمایند و یا اگر کسی بالاتر از مقدار متعارف بنایی ایجاد و یا رفت و آمد نماید، هیچ یک از مالکین و یا متولیان حق جلوگیری از او را ندارند و بالاخره تبعیت زمین شخصی به مقدار عرفی است و آلات جدید هیچ‌گونه دخالتی در تعیین مقدار عرفی ندارد؛ ولی تبعیت کشور مقدار بسیار زیاد است و دولت حق دارد تا از تصرف بیش از حق عرفی شخص و یا اشخاص جلوگیری نماید. بنابراین، نفت و گاز و معادنی که خارج از حدود عرفی املاک شخصی است، تابع املاک نمی‌باشد و اما اگر فرض کنیم معادن و نفت و گاز در حدود املاک شخصی است که فرض بی‌واقعیت است، این معادن چون ملی است و متعلق به ملت‌های حال و آینده است که در طول زمان موجود می‌گردند، از تبعیت املاک شخصی خارج است و دولت اسلامی می‌تواند آنها را استخراج کند، ولی باید قیمت املاک اشخاص و یا اجاره زمین تصرف‌شده را مانند سایر زمین‌ها بدون محاسبه معادن در قیمت و یا اجاره پردازد و مالک نمی‌تواند از این امر جلوگیری نماید. والسلام علیکم؛ ان شاء الله موفق و مؤید باشید.» ([امام] خمینی، سید روح‌الله، استفتائات قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه قم، ج ۵، ۱۴۲۲ هـ.ق، ج ۲، صص ۵۸۷-۵۸۹؛ و قابل دسترسی در نشانی زیر: yon.ir/MCqBF)

۱. ظاهراً سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه چند ماه قبل نیز نامه‌ای را با مضمون مشابه و به صورت تفصیلی‌تر بیان می‌کند که اعضای شورای نگهبان بیشتر این نامه را مورد توجه قرار می‌دهند. نامه‌ی آقای علی محمدی، نماینده‌ی ولی فقیه و سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه به شماره ۹۴/۷۷۳۱۸۸ مورخ ۱۳۹۴/۸/۲۷ به شرح زیر است: «همان‌طور که خاطر جناب‌عالی و فقهای محترم شورای نگهبان مسبوق است، در سال‌های ۱۳۶۲ به بعد در خصوص معادن شن و ماسه و سنگ واقع در اراضی موقوفات بین مراجع دولتی (وزارت کشور و فرمانداری‌ها) و شهرداری از یک طرف و سازمان اوقاف و امور خیریه و متولیان از طرف دیگر اختلاف نظرهایی وجود داشت. به این توضیح که مقامات دولتی و شهرداری، این معادن را انفال تلقی کرده و مورد بهره‌برداری قرار می‌دادند و متولیان موقوفات و سازمان اوقاف و امور خیریه این منابع را جزئی از وقف تلقی و مستثنی از مقررات انفال و معادن می‌دانستند.

به منظور رفع مشکل به‌وجودآمده، استفتایی از محضر مبارک امام خمینی (رضوان‌الله تعالی) به عمل آمد که در پاسخ مرقوم فرمودند: «بسمه تعالی - اینها انفال نیستند و موقوفه هستند.» پس از تصویب تبصره (۶۶) قانون بودجه ۱۳۶۳ و تشدید انتقادات، سازمان اوقاف و امور خیریه و وزارت کشور از شورای محترم نگهبان در مورد ادعای انفال بودن معادن شن و ماسه و خاک رس و چگونگی تأیید تبصره (۶۶) استعلام گردید و شورای محترم نگهبان به شرح مرقومه شماره ۸۴۴۴ مورخ ۱۳۶۶/۲/۲۸ به عنوان وزارت کشور نکات ذیل را اعلام فرموده‌اند:

«معادن شن و ماسه و خاک رس تابع وضع زمین است و آنچه در زمین موقوفه واقع است، انفال نبوده و

←

آقای هاشمی شاهرودی - بله، معادن ظاهره بحث دیگری است.

آقای شبزنده‌دار - ظاهر نامه هم همان شن و ماسه است. زمینش را می‌گوید. صاحب آن می‌خواهد از آن شن و ماسه بردارد.

آقای مدرسی یزدی - [در پاسخ به این نامه، به انحصار این حکم در معادن ظاهره] تصریح بکنید تا سوء استفاده نشود. چون اینها [= بهره‌برداران از معادن موقوفه] واقعاً عوارض و مالیات هم نمی‌دهند.

آقای شبزنده‌دار - اینها عوارض و مالیات می‌دهند. این ماده (۱۴) نوشته است که مبلغی را به عنوان «حق دولت» بدهند.

آقای مدرسی یزدی - بله.

آقای جنتی - متن این ماده‌ای را که می‌خواهید بگویید خلاف شرع است، بخوانید.

→

هرگونه تصرف بدون اذن متولی و اخذ وجوه در این رابطه مشروع نیست و تأیید تبصره (۶۶) بر اساس انصراف آن از شن و ماسه و خاک رس زمین‌های موقوفه، کلی است.»

متعاقباً در مورد سنگ‌های استخراجی واقع در اراضی موقوفه نیز سازمان اوقاف و امور خیریه طی نامه شماره ۴۱۰/۱۰۹۴ مورخ ۱۳۷۱/۲/۳۱ از شورای محترم نگهبان تقاضا نموده که نظریه تکمیلی راجع به این موارد صادر فرمایند که در پاسخ و به شرح نظریه شماره ۴۸۵۳ مورخ ۱۳۷۲/۵/۱۱ چنین اظهار نمودند: «آن مقدار از معادن سنگ که عرفاً تابع زمین است، جزء موقوفه می‌باشد.»

لازم به توضیح و اظهار امتنان است که نظریه‌های فوق‌الاشعار موجب گردید که مشکل ایجادشده برای موقوفات در این زمینه برطرف گردد و نيات خیر واقفین اجرا شود و شورای محترم نگهبان در این امر خطیر ذی‌سهم بوده و می‌باشند و به علاوه مراجع قضایی اعم از دیوان عدالت اداری و دادگاه‌های عمومی نیز با تبعیت از نظریه آن شورای محترم پرونده‌های مطروحه را به وجه شرعی فیصله داده‌اند.

علی‌هذا با عنایت به سوابق معروض و عطف نظریه مبنای تبصره (۳) ماده (۶) اصلاحی، نظر به اینکه وزارت صنعت و معدن و تجارت و سازمان‌ها و واحدهای تابعه آن متأسفانه مستثنی بودن معادن واقع در زمین موقوفات و خروج موضوعی آن از بحث سایر معادن را نپذیرفته و به استناد موادی از قانون معادن و مواد و تبصره‌های اصلاحی و الحاقی آن (مصوب ۱۳۹۰/۸/۲۲) و جوهی را به عنوان حقوق دولتی از موقوفات مطالبه می‌نمایند که از نظر وحدت ملاک مغایر مبانی نظریه‌های قبلی فقهای محترم شورای نگهبان است. بدین‌وسیله استدعا دارد نسبت به انصراف مقررات ناظر بر موضوع فوق‌الذکر به ویژه ماده (۱۴) اصلاحی قانون معادن از موقوفات از اطلاق قانون معادن و اصلاحیه و الحاقات آن اعلام نظر و نتیجه را جهت اقدامات بعدی و رفع مشکل موقوفات ابلاغ فرمایند.» متن این نامه، در نشانی زیر قابل مشاهده است:

آقای یزدی - آیا ایشان [= سازمان اوقاف و امور خیریه] روی این معادن شن و ماسه مدرک وقف دارند تا این معادن بالتبع وقف باشد؟

آقای شبزنده‌دار - اصلاً حالا شما مسئله را کلی فرض کنید. حالا به صغرای مسئله کاری نداریم.

آقای مدرسی یزدی - بله.

آقای یزدی - بله، ما به مورد کار نداریم. درست است که بحث در مورد قاعده‌ی کلی این موضوع است؛ اما در این مورد مثلاً این شن و ماسه‌ای که مورد بحث ایشان است، آیا بالتبع یا بالاصاله وقف است؟ چون این اظهاری که آقای محمدی در این نامه کرده‌اند، راجع به مورد خاصی است.

آقای شبزنده‌دار - نه، [ناظر به مورد خاصی نیست]. چون می‌گوید: «... نظر به اینکه وزارت معدن ...»؛ [کلی می‌گوید].

آقای هاشمی شاهرودی - ماده (۱۴) قانون معادن در سال ۱۳۹۰ به شورای نگهبان آمده است و ما اطلاق آن را [در نظر شماره ۹۰/۳۰/۴۴۵۹۷ مورخ ۱۳۹۰/۹/۲] تأیید کردیم. این اصلاحیه مصوب سال ۱۳۹۰ است.^(۱)

آقای مدرسی یزدی - اگر این نوع معادن از قبل وقف شده باشند، [درست است]؛ ولی اگر مالک بخواهد از الآن آن ملک را وقف بکند، [اجازه‌ی وقف دانستن این معادن] مشکل است. **آقای هاشمی شاهرودی -** [ارتباطی ندارد]. چون فرد، مالک آن ملک است. حسب مالکیتش وقف می‌کند.

آقای مدرسی یزدی - نه، اگر مالک الآن ملکی را وقف کند، مشکل است؛ چون الآن ادنی که از اول برای احیا و امثال این املاک داده می‌شود، مضیق است.

آقای هاشمی شاهرودی - آخر در این نامه [ی سازمان اوقاف مورخ ۱۳۹۴/۸/۲۷] می‌گویند که این معادن، انفال نیستند. از امام هم استفتا نقل می‌کنند که این معادن انفال نیستند.^(۲)

۱. لازم به ذکر است که ماده (۱۴) قانون معادن بعد از قانون اصلاح قانون معادن مصوب ۱۳۹۰/۸/۲۲ مجلس شورای اسلامی، یک بار دیگر از طریق ماده (۳۵) قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور مصوب ۱۳۹۴/۲/۱ مجلس شورای اسلامی تغییر می‌کند و ضمن اصلاح صدر ماده و برخی تبصره‌ها، چند تبصره‌ی دیگر به آن الحاق می‌گردد.

۲. «س ۸- در بین رقبات موقوفات گاهی اراضی شن و ماسه با خاک رس پیدا می‌شود که تا کنون

آقای مدرسی یزدی - بله، از نظر شرع، مردم در معادن ظاهره که مساویند؛ «الناس فیه سواء.» یک چنین چیزی در مورد این معادن هست.^(۱)

آقای یزدی - نظریه‌ی قبلی [شماره ۸۰/۲۱/۲۸۷۳ مورخ ۱۳۸۰/۱۰/۲] شورای نگهبان را هم لطف کنید توجه بفرمایید: «... موضوع در جلسه مورخ ۱۳۸۰/۹/۲۹ فقهای شورای نگهبان مطرح شد که نظر فقها به شرح زیر اعلام می‌گردد:

«معدن سنگ آهک مذکور در نامه ۸۲۱۹ مورخ ۱۳۸۰/۵/۲، در صورتی که عرفاً تابع زمین به حساب آید، حکم زمین را دارد و متعلق به موقوفه است و قانون معادن از آن انصراف دارد و اگر تابع زمین محسوب نشود، جزء انفال می‌باشد.» این در مورد معدن سنگ آهک است.

آقای هاشمی شاهرودی - همین نظر خوب است دیگر. شما یک بار به این موضوع جواب داده‌اید. همین جواب خوب است. حالا هم همین جواب را بدهید.

آقای یزدی - بله دیگر؛ اگر معدن تابع زمین باشد، جزء آن به حساب می‌آید.

آقای هاشمی شاهرودی - آقای جنتی، خود شما [= شورای نگهبان] این جواب را قبلاً

→

عواید آنها در جهت اجرای نیت واقف به مصرف می‌رسیده، اخیراً برخی از دوایر دولتی مدعی هستند که این نوع اراضی، معادن و جزو انفال است، آیا این نحوه از معادن شرعاً انفال محسوب می‌شوند یا موقوفه هستند؟

ج- اینها انفال نیستند و موقوفه هستند. [امام] خمینی، سید روح‌الله، استفتانات قم، دفتر انتشارات

اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۵، ۱۴۲۲ ه.ق، ج ۲، صص ۳۳۷-۳۳۸

۱. «و أما المعادن فعلی ضربین ظاهره و باطنه، فالباطنه لها باب ندرکه و أما الظاهره فیهی الماء و القیر و النفط و المومیا و الکبریت و الملح و ما أشبه ذلك، فهذا لا یملک بالاحیاء و لا یصیر أحد أولی به بالتحجیر من غیره و لیس للسلطان أن یقطع بل الناس کلهم فیه سواء یاخذون منه قدر حاجتهم، بل یجب عندنا فیهما الخمس و لا خلاف فی أن ذلك لا یملک ترجمه: «و اما معادن بر دو نوع ظاهری و باطنی می‌باشند. معادن باطنی را در بابی بررسی می‌کنیم، اما معادن ظاهری شامل آب، قیر، نفت، مومیا، گوگرد، نمک و مانند آن، با احیا تملیک نمی‌شوند و کسی با تحجیر آنها نسبت به دیگری بر آنها اولویت نمی‌یابد و سلطان حق واگذاری آنها را ندارد، بلکه مردم همه در آنها با هم مساویند و به میزان نیازشان از آن می‌گیرند و از نظر ما خمس در آن واجب می‌شود و اختلافی در این نیست که تملیک نمی‌شوند.» (شیخ طوسی، محمدبن حسن، المبسوط فی فقه الإمامیه، تهران، المکتبه المرتضویه لإحیاء الآثار الجعفریه، ج ۳، ص ۲۷۴)

داده‌اید. این جواب را به خود سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه هم داده‌اید. چرا دو مرتبه جواب را تکرار می‌کنید؟! ما که دیگر نمی‌توانیم در صغرا وارد بشویم. بررسی صغرویات که دیگر در صلاحیت ما نیست. کبرای این موضوع هم همان بود که شما گفتید. یعنی همین نظری بود که شورا گفته است. همین پاسخ را بدهید. دیگر تکرار نکنید.

آقای جنتی - بله.

آقای یزدی - بله، این پاسخی است که خود شما آن را امضا کرده‌اید و به ایشان [=] نماینده‌ی ولی فقیه و سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه] پاسخ داده‌اید. الان باز همان موضوع مورد سؤال ایشان است؟

آقای جنتی - می‌خواهید اصلاً ما نامه‌ی خود ایشان را بخوانیم.

آقای یزدی - بله، نامه‌ی خودش را بخوانیم.

آقای هاشمی شاهرودی - این نامه، نامه‌ی خودش است دیگر.

آقای شب‌زنده‌دار - ببینید؛ یک صحبت این است که ما بگوییم آیا قانون معادن نسبت به این معادن انصراف دارد یا ندارد؛ [این درست است که صلاحیت شورای نگهبان است]. اما تشخیص این مطلب، به عهده‌ی شورای نگهبان نیست و حرف شورا هم در این باره حجت نیست. شما فقط حکم شرعی مسئله را بیان می‌کنید. شما بگویید قانون از این معادن انصراف دارد. من فکر می‌کنم جواب مجمع مشورتی فقهی جواب خوبی است.

آقای مؤمن - شکایت ایشان را توضیح نمی‌دهید که جناب آقای هاشمی بفرمایند آیا جواب درست است یا درست نیست؟ نامه‌ی آقای محمدی را نمی‌خوانید تا ببینیم چه می‌خواهد بگوید؟

آقای شب‌زنده‌دار - چرا می‌خواهم بخوانم: «پیرو نامه شماره ۹۴/۷۷۳۱۸۸ مورخ ۱۳۹۴/۸/۲۷، همان‌طور که خاطر جناب‌عالی و فقهای محترم شورای نگهبان مسبوق است و سوابق معروض و عطف نظریه مبنای تبصره (۳) ماده (۶) اصلاحی، نظر به اینکه وزارت صنعت، معدن و تجارت و سازمان‌ها و واحدهای تابعه آن متأسفانه مستثنی بودن معادن واقع در زمین موقوفات و خروج موضوعی آن از بحث سایر معادن را نپذیرفته و به استناد موادی از قانون معادن و مواد و

تبصره‌های اصلاحی و الحاقی آن (مصوب ۱۳۹۰/۸/۲۲) وجوهی را به عنوان حقوق دولتی از موقوفات مطالبه می‌نمایند که از نظر وحدت ملاک مغایر مبانی نظریه‌های قبلی فقهای محترم شورای نگهبان است.

بدین وسیله استدعا دارد، نسبت به انصراف مقررات ناظر بر موضوع فوق‌الذکر به‌ویژه ماده (۱۴) اصلاحی قانون معادن از موقوفات از اطلاق قانون معادن و اصلاحیه و الحاقات آن اعلام نظر و نتیجه را جهت اقدامات بعدی و رفع مشکل موقوفات ابلاغ فرمایند.^(۱)

آقای مؤمن - این نامه‌ی دوم ایشان است. اول این نامه گفته است که این نامه، پیرو نامه‌ی قبلی است. قبل از این نامه، جناب حضرت آیت‌الله جنتی در ذیل این نامه در تاریخ ۱۳۹۴/۹/۶ مرقوم فرموده‌اند که این نامه در جلسه‌ی آقایان فقهای محترم بررسی شود. این نامه‌ی قبلی مفصل‌تر از این نامه‌ی جدید است.

آقای شبزنده‌دار - بله، آن نامه حالا برای یک زمانی بوده است. ایشان این نامه را در تاریخ ۱۳۹۴/۱۲/۲۵ فرستاده است. این درخواست به شکلی که ایشان درخواست کرده است، درخواست موجهی نیست. در این نامه گفته است: «... بدین وسیله، استدعا دارد، نسبت به انصراف مقررات ...»؛ خب، شورای نگهبان که انصراف مقررات را بیان نمی‌کند. آنچه که شورا باید اینجا بگوید، این است که بگوید همان حکمی که قبلاً نسبت به معادن ظاهره گفته شده است، الآن هم همان حکم جاری است، اما نسبت به معادنی که تابع زمین نیست، [حکم انفال جاری است].

آقای جنتی - همین‌طور است. به نظرم، ما همین متنی را که شما [= مجمع مشورتی فقهی] داده‌اید، برای جواب بدهیم.

آقای شبزنده‌دار - همین‌طور است. این نکته را هم بگویید که اینکه قانون انصراف دارد یا نه، که مورد تقاضای شما است، کار شورای نگهبان نیست و حجت هم نیست. چون ایشان در این نامه صریحاً این مطلب را خواسته است.

آقای مدرسی یزدی - الآن آقای علی محمدی می‌خواهد بگوید که بالاخره مرادتان

۱. نامه‌ی آقای علی محمدی، نماینده‌ی ولی فقیه و سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه‌ی به دبیر شورای نگهبان، شماره ۹۴/۱۱۷۸۳۸۸ مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۲۵، قابل دسترسی در نشانی زیر:

چیست؛ به خاطر اینکه شما قبلاً آن قانون را تأیید کرده‌اید.

آقای شب‌زنده‌دار - نه، نامه این را نمی‌گوید. این نامه می‌گوید نسبت به انصراف مقررات ناظر بر موضوع فوق‌الذکر اعلام نظر کنید. بررسی مقررات در صلاحیت ما نیست.

آقای مدرسی یزدی - ولی منظور ایشان قانون مربوط به این موضوع است. به فقهای شورای نگهبان می‌گوید شما اصل آن قانون را تأیید کرده‌اید. می‌خواهند بپرسند که شما آن قانون را این‌گونه تأیید کرده‌اید.

آقای شب‌زنده‌دار - همان جواب مجمع مشورتی فقهی را در پاسخ به این نامه بنویسیم.

آقای هاشمی شاهرودی - بالاخره آقای محمدی می‌خواهد ما قانون را ابطال کنیم یا می‌خواهد بخشنامه یا چیزی شبیه آن را ابطال کنیم؟

آقای شب‌زنده‌دار - نه، می‌خواهد بگوید همان‌طوری در نظرتان بنویسید که آن قانون شامل آن موارد مذکور در نامه نمی‌شود.

آقای هاشمی شاهرودی - ما که نمی‌توانیم این کار را بکنیم.

آقای مدرسی یزدی - نه، ببینید؛ شما قبلاً یک‌سری از قوانین را تأیید کرده‌اید که همین خودتان بعداً به اطلاق آن اشکال وارد کردید؛ یعنی مثلاً یک قانونی را تأیید کرده‌اید، در حالی که اطلاق آن مصوبات، موارد خلاف شرع را هم در بر می‌گرفت.^(۱) آقای محمدی در نامه‌اش می‌خواهد شما در نظرتان بیان کنید اینکه ما که این ماده [از قانون معادن] را تأیید کرده‌ایم، به این اطلاق [مد نظر مجریان] نیست؛ بلکه با حفظ این مطلب است که قانون منصرف از معادن وقفی است.

آقای هاشمی شاهرودی - ما که حالا نمی‌توانیم این کار را بکنیم.

آقای مدرسی یزدی - چرا نمی‌توانید؟! خود شما آن قانون را تأیید کرده‌اید.

۱. شورای نگهبان در موارد محدودی، نسبت به اطلاق برخی مواد قانونی که قبلاً توسط شورای نگهبان به تأیید رسیده بودند، ایراد خلاف شرع نسبت به اطلاق آن می‌گیرد. برای آگاهی از نظرات شورای نگهبان در این خصوص، بنگرید به: فتحی، محمد و کاظم کوهی اصفهانی، نظارت شرعی فقهای شورای نگهبان بر اساس اصل (۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، پژوهشکده شورای نگهبان، چ ۱، ۱۳۹۷.

آقای هاشمی شاهرودی - می‌توانیم بگوییم اطلاق یک قانون حرام است؟! **آقای مدرسی یزدی -** نه، بگویید تأیید ما این‌طور بوده است؛ و آلاً اطلاق آن خلاف شرع است.

آقای هاشمی شاهرودی - اگر ما بخواهیم قانون را خلاف شرع اعلام کنیم [که صحیح نیست]. حالا که نمی‌شود دیگر این کار را انجام داد.

آقای مدرسی یزدی - چرا؛ می‌تواند خلاف شرع باشد. به راحتی می‌توانید بگویید: «و آلاً آن ماده خلاف شرع است.» اتفاقاً نظیر این مسئله را هم شورای نگهبان در یک جاهایی داشته است. در آن موارد، دیگران یک اطلاقی از یک قانون برداشت کرده بودند و شورای نگهبان گفته بود که نه، ما قانون را با حفظ انصراف تأیید کرده بودیم، و آلاً خلاف شرع است.

آقای هاشمی شاهرودی - خب، پس ما بیاییم بخشنامه را باطل کنیم. به اطلاق چه کار داریم؟! اگر بخشنامه را باطل کنیم، بهتر است. بگوییم این بخشنامه خلاف شرع است.

آقای شبزنده‌دار - بله دیگر؛ این بخشنامه باید ابطال شود. همین جواب را بدهیم.

آقای یزدی - ما قبلاً در این باره چند تا جواب داده‌ایم. قدیمی‌ترین نظری که آقایان فقهای شورای نگهبان داده‌اند، در سال ۱۳۶۶ است که آقای صافی دبیر شورا بودند. [نظر شماره ۸۴۴۴ مورخ ۱۳۶۶/۳/۲۸ شورای نگهبان:] «به نظر فقهای شورای نگهبان، شن و ماسه و خاک رس تابع وضع زمین است که از آن برداشته می‌شوند. علی‌هذا، اگر در زمین موقوفه یا ملکی باشد، متعلق به وقف یا مالک است و جزء انفال نیست و هرگونه تصرف بدون اذن متولی شرعی موقوفه و یا مالک و اخذ وجوه از آنها در این رابطه مشروع نمی‌باشد و تأیید تبصره (۶۶)^(۱) بر اساس

۱. تبصره (۶۶) قانون بودجه سال ۱۳۶۳ مصوب ۱۳۶۲/۱۲/۳ مجلس شورای اسلامی: «تبصره ۶۶:

الف- از اول سال ۱۳۶۳ کلیه امور مربوط به بهره‌برداری از معادن شن و ماسه معمولی و خاک رس معمولی به وزارت کشور محول می‌شود تا با رعایت مفاد تبصره ماده (۲۴) قانون معادن مصوب ۱۳۶۲/۳/۱ مجلس شورای اسلامی از طریق فرمانداری‌ها و بخشداری‌ها و شهرداری‌های هر محل و یا سازمان‌های دولتی دیگر و یا بخش خصوصی انجام دهد و درآمد حاصله ناشی از قیمت پایه موضوع ماده (۲۶) قانون معادن فوق‌الذکر را به حساب درآمد عمومی کشور منظور نماید.

انصراف آن از شن و ماسه و خاک رس زمین‌های موقوفه ملکی است.» این نظر گفته است که این تبصره، از آن موضوع منصرف است. همچنین، شورای نگهبان یک جواب در سال ۱۳۷۶ به نامه‌ی آقای طبسی داده است. [نظر شماره ۷۶/۲۱/۰۵۱۴ مورخ ۱۳۷۶/۳/۱ شورای نگهبان:] «نامه شماره ۱۰۰/۱۴۵۰۰ مورخ ۱۳۷۵/۱۲/۵^(۱) در جلسه رسمی مورخ ۱۳۷۶/۲/۳۱ آقایان فقهای شورای نگهبان مطرح و نظر آقایان فقها بدین شرح اعلام می‌گردد:

خاک رس صنعتی در حکم مذکور مانند خاک رس معمولی است و مشمول نظریه شماره ۸۴۴۴ مورخ ۱۳۶۶/۳/۲۸ فقهای شورای نگهبان می‌باشد.»

آقای هاشمی شاهرودی - به نظر من به آقای محمدی بگویند که درخواست نظارت بر ماده (۱۴) قانون را کنار بگذارد. اگر در بخشنامه‌ها درخواست ابطالی دارد، درخواست کند. چون ایشان در نامه‌اش «مقررات ناظر» هم گفته است. اگر در این مقررات بخشنامه‌ای چیزی دارد که خلاف شرع است، آن را برای ما بفرستد؛ ما می‌توانیم آن را باطل کنیم. اگر بخواهید قانون را باطل کنید و بگویند که اطلاق آن درست نیست، کار آسانی نیست. باید همان مطلب را بگوئیم که آن قانون منصرف از آن موارد است؛ ولی لازم نیست ما بگوئیم. بروند از مجلس بخواهند که قانون را تفسیر کند. اگر مجلس قانون را خلاف شرع تفسیر کرد، مصوبه‌ی مجلس به اینجا می‌آید و ما جلوی آن را می‌گیریم. اینکه حالا ما ابتدائاً بگوئیم یک قانونی که به آن عمل شده است، خلاف

۱. نامه‌ی آقای عباس واعظ طبسی، تولید آستان قدس رضوی به دبیر شورای نگهبان، شماره ۱۰۰/۱۴۵۰۰ مورخ ۱۳۷۵/۱۲/۵: «احتراماً به استحضار می‌رساند در سال ۱۳۶۶ فقهای محترم شورای نگهبان به موجب نظریه شماره ۸۴۴۴ [مورخ] ۱۳۶۶/۳/۲۸، شن و ماسه و خاک رس واقع در موقوفات را جزو اموال موقوفه دانسته و از احکام مربوط به انفال مستثنی تلقی فرموده‌اند که برای موقوفات بسی راهگشا و رافع مشکلات بوده است.

اکنون وزارت محترم معادن به عذر آنکه در نظریه مذکور اشاره به خاک رس شده، خاک صنعتی در موقوفات را که نوعی خاک رس است، از مشمول نظریه مذکور خارج می‌داند و به موقوفه اجازه دخالت و استفاده نمی‌دهد. با عنایت به اینکه در نظریه مذکور، خاک رس به طور مطلق ذکر شده و خاک صنعتی هم بنا بر تعریفی که در قانون معادن آمده، نوعی خاک رس به شمار می‌رود، لذا خواهشمند است برای رفع این ابهام، نظریه فقهای محترم شورای نگهبان را امر به ابلاغ فرمایند.» متن این نامه، در نشانی زیر قابل مشاهده است:

شرع است، واقعاً چیز خوبی نیست.

آقای مدرسی یزدی - نمی‌گوییم قانون خلاف شرع است. می‌گوییم معنای آن قانون، این است و ما آن ماده را به این معنا تأیید کرده‌ایم.

آقای هاشمی شاهرودی - این نظر که برای ایشان [= آقای محمدی] فایده‌ای ندارد. ما باید آن بخشنامه‌ای را که طبق آن قانون صادر شده است، باطل کنیم.

آقای مدرسی یزدی - چرا؛ فایده دارد. اگر قانون را باطل کنیم، آن وقت طبق آن ابطال، آن بخشنامه هم باطل می‌شود.

آقای شبزنده‌دار - نه، نمی‌شود از طریق ابطال قانونی اقدام کرد؛ چون قانون عادی است و مجلس باید آن را تفسیر کند.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، مجلس باید تفسیر کند. ما چه کاره‌ایم؟!

آقای یزدی - حالا بالاخره متن نامه‌ی ایشان را ببینیم تا بفهمیم درخواست اصلی ایشان چیست. ایشان چه می‌خواهد؟ اجازه بدهید اصل نامه را نگاه کنیم.

آقای هاشمی شاهرودی - نامه‌ی ایشان اینجا است. در آخر نامه گفته است: «بدین وسیله استدعا دارد، نسبت به انصراف مقررات ناظر بر موضوع فوق‌الذکر به‌ویژه ماده (۱۴) اصلاحی قانون معادن از موقوفات از اطلاق قانون معادن و اصلاحیه و الحاقات آن اعلام نظر و نتیجه را جهت اقدامات بعدی و رفع مشکل موقوفات ابلاغ فرمایند.» خب ما که نمی‌توانیم قانون را برایشان تفسیر کنیم و بگوییم این قانون از این موارد منصرف است یا منصرف نیست. مجلس باید این را بگوید. تفسیر قانون را باید از مجلس بخواهند. ما می‌توانیم مقرراتی مثل بخشنامه‌ها را که بعد از قانون است و خلاف شرع است، ابطال کنیم. این کار را می‌توانیم بکنیم.

آقای شبزنده‌دار - آن وقت اگر مجلس گفت آن ماده اطلاق دارد، بعد که استفساریه‌ی مجلس به شورای نگهبان می‌آید، [اشکال وارد می‌کنیم].

آقای هاشمی شاهرودی - بله، استفساریه‌ی مجلس به شورای نگهبان می‌آید و ما به اطلاق آن اشکال وارد می‌کنیم. تفسیر قانون از نظر اینکه انصراف و عدم انصراف دارد، کار مجلس است. ایشان باید تفسیر قانون را از مجلس بخواهد. شما می‌توانید این طوری به ایشان بگویید: اگر می‌خواهی بدانی این قانون از این موارد منصرف است یا نه، باید از مجلس بخواهی. مصوبه‌ی مجلس هر چه که باشد، به شورای نگهبان

می‌آید. اگر تفسیر مجلس خلاف شرع بود، ما به آن اشکال وارد می‌کنیم. شما گفتید که مجمع مشورتی فقهی در مورد این نامه نظر داده است. نظرشان همین بود؟

آقای مؤمن - حرف شما، حرف خوبی است.

آقای یزدی - حالا لطف کنید به مقدمات نامه توجه کنید. این نامه می‌گوید که ما به امام نامه نوشتیم و امام پاسخ فرمودند که «اینها انفال نیستند و موقوفه هستند». در نامه [ی مورخ ۱۳۹۴/۸/۲۷ سرپرست سازمان اوقاف] آمده است: «... به منظور رفع مشکل به وجود آمده، استفتایی از محضر مبارک امام خمینی (رضوان الله تعالی) به عمل آمد که در پاسخ مرقوم فرمودند: «بسمه تعالی - اینها انفال نیستند و موقوفه هستند». پس از تصویب تبصره (۶۶) قانون بودجه ۱۳۶۳ و تشدید انتقادات، سازمان اوقاف و امور خیریه و وزارت کشور از شورای محترم نگهبان در مورد ادعای انفال بودن معادن شن و ماسه و خاک رس و چگونگی تأیید تبصره (۶۶) استعلام گردید و شورای محترم نگهبان به شرح مرقومه شماره ۸۴۴۴ مورخ ۱۳۶۶/۲/۲۸ به عنوان وزارت کشور نکات ذیل را اعلام فرموده‌اند:

معادن شن و ماسه و خاک رس تابع وضع زمین است و آنچه در زمین موقوفه واقع است، انفال نبوده و هر گونه تصرف بدون اذن متولی و اخذ وجوه در این رابطه مشروع نیست و تأیید تبصره (۶۶) بر اساس انصراف آن از شن و ماسه و خاک رس زمین‌های موقوفه، کلی است.

متعاقباً در مورد سنگ‌های استخراجی واقع در اراضی موقوفه نیز سازمان اوقاف و امور خیریه طی نامه شماره ۴۱۰/۱۰۹۴ مورخ ۱۳۷۱/۲/۳۱^(۱) از شورای محترم

۱. نامه‌ی سید مهدی امام جمارانی، نماینده‌ی ولی فقیه و سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه به دبیر شورای نگهبان، شماره ۴۱۰/۱۰۹۴ مورخ ۱۳۷۲/۳/۳۱: «احتراماً به استحضار می‌رساند در سال ۱۳۶۳ در خصوص معادن شن و ماسه و خاک رس واقع در موقوفات کشور استفتایی از محضر مقدس امام راحل (رضوان... تعالی علیه) به عمل آمده که در پاسخ مرقوم فرموده‌اند: «بسمه تعالی - اینها انفال نیستند و موقوفه هستند». و در سال ۱۳۶۶ نیز در این رابطه نظریه‌ای به شماره ۸۴۴۴ مورخ ۱۳۶۶/۳/۲۸ از طرف فقهای محترم شورای نگهبان صادر گردید و شن و ماسه و خاک رس واقع در موقوفات را جزء موقوفه و از احکام مربوط به انفال مستثنی تلقی فرمودند. این نظریه برای موقوفات راهگشا و رافع مشکلات بوده و هم‌اکنون در سطح کشور مورد عمل است. لیکن چون در متن نظریه به معادن سنگ و مواد مشابه

نگهبان تقاضا نموده که نظریه تکمیلی راجع به این موارد صادر فرمایند که در پاسخ و به شرح نظریه شماره ۴۸۵۳ مورخ ۱۳۷۲/۵/۱۱ چنین اظهار نمودند: «آن مقدار از معادن سنگ که عرفاً تابع زمین است، جزء موقوفه می‌باشد.»

لازم به توضیح و اظهار امتنان است که نظریه‌های فوق‌الاشعار موجب گردید که مشکل ایجادشده برای موقوفات در این زمینه برطرف گردد و نیت خیر واقفین اجرا شود و شورای محترم نگهبان در این امر خطیر ذی‌سهم بوده و می‌باشند و به علاوه مراجع قضایی اعم از دیوان عدالت اداری و دادگاه‌های عمومی نیز با تبعیت از نظریه آن شورای محترم پرونده‌های مطروحه را به وجه شرعی فیصله داده‌اند.

علی‌هذا، با عنایت به سوابق معروض و عطف نظریه مبنای تبصره (۳) ماده (۶) اصلاحی، نظر به اینکه وزارت صنعت و معدن و تجارت و سازمان‌ها و واحدهای تابعه آن متأسفانه مستثنی بودن معادن واقع در زمین موقوفات و خروج موضوعی آن از بحث سایر معادن را نپذیرفته و به استناد موادی از قانون معادن و مواد تبصره‌های اصلاحی و الحاقی آن (مصوب ۱۳۹۰/۸/۲۲) وجوهی را به عنوان حقوق دولتی از موقوفات مطالبه می‌نمایند که از نظر وحدت ملاک مغایر مبنای نظریه‌های قبلی فقهای محترم شورای نگهبان است. بدین‌وسیله، استدعا دارد، نسبت به انصراف مقررات ناظر بر موضوع فوق‌الذکر به‌ویژه ماده (۱۴) اصلاحی قانون معادن از موقوفات از اطلاق قانون معادن و اصلاحیه و الحاقات آن اعلام نظر و نتیجه را جهت اقدامات بعدی و رفع مشکل موقوفات ابلاغ فرمایند.» ایشان می‌خواهد بگوید با اینکه شورای نگهبان به طور روشن نظر داده است که این موارد

→

اشاره‌ای نشده است، از طرف متولیان و ادارات اوقاف و امور خیریه مکاتباتی در این‌باره به عمل می‌آید. لذا با عنایت به نظریه قبلی و وحدت ملاک بدین‌وسیله درخواست صدور نظریه تکمیلی نسبت به معادن سنگ و خاک به طور کلی و مستثنی بودن آنها از احکام مربوط به انفال را دارد. جهت سهولت مراجعه تصویر استفتا و نامه شماره ۸۴۴۴ مورخ ۱۳۶۶/۳/۲۸ و همچنین استفتائیه شماره ۲۰۰ مورخ ۱۳۷۲/۱/۲۹ که در این‌باره از محضر حضرت آیت‌الله العظمی گلپایگانی به‌عمل آمده و ذیل آن در تاریخ ۲۵ شوال ۱۴۱۳ نظر خود را مرقوم فرموده‌اند، به پیوست تقدیم می‌گردد.» متن نامه قابل مشاهده در نشانی زیر است:

تابع زمین است و تابع موقوفه است و آثار وقف را دارد و محاکم هم آثار وقف را بر آن مترتب می‌کنند، در عین حال، دولت بر اساس قانون معادن وجوهی را اخذ می‌کنند. ایشان درخواست کرده است که شما صریحاً بگویید که دولت نمی‌تواند وجوهی را اخذ بکند. ظاهراً درخواست ایشان این می‌شود.

آقای جنتی - ما در نظرمان همین را بگوییم که همین مستثنی بودن که دولت نپذیرفته است، همین مستثنی بودن درست است.

آقای یزدی - بله.

آقای هاشمی شاهرودی - آنها [= دولت] به فهمشان از قانون عمل می‌کنند. به سازمان اوقاف بگویید که تفسیر این قانون را از نظر اطلاق، از مجلس بخواهید. اگر مجلس قائل به اطلاق آن شد، نزد ما می‌آید.

آقای جنتی - نه.

آقای یزدی - شورای نگهبان دو سه بار نظر داده است دیگر.

آقای هاشمی شاهرودی - ما که نمی‌توانیم بگوییم قانون انصراف دارد. مجلس باید بگوید قانون انصراف دارد یا ندارد. اگر مجلس گفت که قانون انصراف دارد، دیگر آن حرف‌های وزارتخانه قابل قبول نیست؛ ولی اگر گفت که این قانون از این موارد انصراف ندارد، ما اشکال وارد می‌کنیم.

آقای مدرسی یزدی - چه عیبی دارد؟ اگر مجلس قائل به انصراف نشود، خلاف شرع می‌شود.

آقای یزدی - باید بنویسیم این قانون با توجه به نظریات قبلی شورای نگهبان از این موارد منصرف است. این چه اشکالی دارد؟ با توجه به نظریات متعدد سابق شورای نگهبان، قانون از این موارد منصرف است؛ یعنی آن قانون، شامل این موارد که تابع وقف است، نمی‌شود.

آقای جنتی - بله، اصلاً همین کار را می‌کنیم.

آقای هاشمی شاهرودی - آن وقت وزارتخانه به این نظر ما عمل می‌کند یا نه؟ به فهم خودش از قانون عمل می‌کند.

آقای جنتی - نه خب، ما نظرمان را بدهیم.

آقای مدرسی یزدی - حالا آیا اصلاً چنین قانونی هست که اطلاق داشته باشد یا نه؟

آقای هاشمی شاهرودی - قانون که هست. قانونش را در این نامه آورده است.

آقای یزدی - ایشان در نامه تصریح می‌کند که آقایان در وزارت صنعت، معدن و تجارت به استناد قانون دارند از این موقوفات سهم و حقوق می‌گیرند.

آقای مدرسی یزدی - حالا اگر بعضی از این معادن اصلاً معادن ظاهره نباشند که همه‌ی مردم در آن مشترک باشند، چه باید کار کرد؟

آقای شبزنده‌دار - البته اگر این‌طور بنویسیم که دولت حقی در معادن ظاهره که موقوفه است، ندارد، [درست می‌شود].

آقای یزدی - یعنی مثلاً به طور صریح بنویسیم که دولت نسبت به معادنی که تابع زمین‌های وقف است، حق گرفتن وجهی را ندارد.

آقای شبزنده‌دار - بله.

آقای یزدی - چون دو سه بار در این‌باره از سوی شورای نگهبان نظر داده شده است. از زمان قدیم تا جدید سه چهار بار نظر داده شده است. همه‌ی نظریات هم یکی است که اگر شن و ماسه تابع زمین وقفی باشد، [جزء انفال نیست]. این‌طور نوشته بشود که دولت حق گرفتن چیزی از معادنی که روی زمین‌های وقفی است، چه شن و ماسه باشد و چه سنگ باشد، ندارد.

آقای جنتی - خب همین نظر را بنویسید.

آقای مدرسی یزدی - بله، ماده (۱۴) اصلاحی قانون معدن اطلاق دارد؛ چون می‌گوید: «ماده ۱۴ - دارنده پروانه بهره‌برداری باید درصدی از بهای ماده معدنی موضوع پروانه را به نرخ روز در سر معدن به صورت استخراج‌شده یا کانه‌آرایی‌شده یا فرآوری‌شده در چهارچوب بودجه مصوب با پیشنهاد وزارت صنعت، معدن و تجارت و تصویب شورای عالی معادن به عنوان حقوق دولتی به وزارت صنعت، معدن و تجارت پرداخت نماید. ...»

آقای مؤمن - چه می‌خواهید بنویسید؟

آقای شبزنده‌دار - این‌طور می‌نویسیم: «گرفتن درصدی از بهای ماده معدنی که تابع ...»

آقای یزدی - «... اراضی موقوفه ...»

آقای مؤمن - «جزء اراضی موقوفه یا تابع آن ...»

آقای مدرسی یزدی - «... به عنوان حق دولتی ...»؛ این نکته‌اش مهم است.

آقای شبزنده‌دار - «... به عنوان حق دولت از لحاظ شرعی خلاف شرع می‌باشد.»

آقای هاشمی شاهرودی - بله، «... خلاف شرع می‌باشد.» این طوری خوب است؛ ولی این نظر برای ایشان فایده ندارد. این نکته را به ایشان بگوییم. ولی این حرف خوب است. به این ترتیب هم می‌شود نظر داد.

آقای شبزنده‌دار - «گرفتن درصدی از بهای ماده معدنی که جزء یا تابع اراضی موقوفه هستند، به عنوان حق دولتی خلاف شرع می‌باشد.»

آقای هاشمی شاهرودی - بله، خوب است. همین را بنویسید.

آقای جنتی - بسیار خوب.

آقای یزدی - اولش بنویسید در بررسی نامه‌های قبلی در فلان جلسه مورخ فلان، [بعد نظرمان را بنویسید].

آقای شبزنده‌دار - اینها را می‌نویسند.^(۱)

۱. نظر شماره ۹۵/۱۰۰/۴۸۴ مورخ ۱۳۹۵/۲/۲۰ شورای نگهبان: «عطف به نامه‌های شماره ۹۴/۱۱۷۸۳۸۸ مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۲۵ و شماره ۹۴/۷۷۳۱۸۸ مورخ ۱۳۹۴/۸/۲۷، موضوع در جلسه مورخ ۱۳۹۵/۲/۱۵ فقهای معظم شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر فقها به شرح ذیل اعلام می‌گردد: - گرفتن درصدی از بهای ماده معدنی که جزء عرفی یا تابع اراضی موقوفه است به عنوان حقوق دولتی خلاف موازین شرع شناخته شد.»

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای مد ظله العالی

در دیدار با اعضای شورای نگهبان (۱۳۹۲/۸/۸)

«یکی از چیزهایی که شاید بنده قبلاً هم عرض کرده‌ام... انتشاره‌اکرات شوراست. این خیلی چیز خوبی است... فرض
بفرمایید در قانون مجازات ماده چندم این قانون، ممکن است دو نظر مخالف یا سه نظر مخالف وجود داشته باشد. خیلی خوب
است که در انتشاره‌اکرات، این نظرات مخالف ذکر شود... یعنی این می‌شود یک مستندی، این یک سبانه‌ای است.
این سوابق مهم است. اینکه مثلاً شورای نگهبان بتواند در سال هزار و چهارصد و فلان بگوید که این حکم و این بنا مثلاً در نگاه سال
پیش در شورای نگهبان بحث شد و این حرف‌ها گفته شد و این نظر از بحث‌ها در آمد، خود این یک مستند و یک پشتوانه تقویت
علمی است برای آرای شورا. بنابراین انتشاره‌اکرات هم به نظر من خیلی خوب است.»



پژوهشکده شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد قمری،

کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲

صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵

تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵

info@shora-rc.ir

www.shora-rc.ir